

(۳)

دادگاه بین‌المللی دادگستری

محمد علی طالقانی

کارآموز وکالت

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷
پرتال جامع علوم انسانی
قوانین

مورد استناد دادگاه

دادگاه بین‌المللی دادگستری، چنانکه از نام آن برمی‌آید، دادگاهی است بین‌المللی و وظیفه آن لاجرم رسیدگی بدعاویست بر طبق حقوق بین‌الملل، بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دادگاه. معذالك بند اول مزبور حاوی اشاراتی است به قوانین حاکم بر دادگاه. این راهنمایها بر دو دسته است:

- وسایل اصلی تعیین قواعد حقوقی حاکم بر دادگاه که بترتیب ارزش

آنها عبارتست از :

- - عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از خصوصی یا عمومی که قواعدی

را که طرفین اختلاف قبول دارند ، معین می‌کند .

- - رسوم بین‌المللی بعنوان اماره‌ای از یک روش عمومی که

بعنوان قانون مورد قبول است .

- - اصول کلی حقوقی که مقبول ملل متمدن است .

- وسایل فرعی تعیین قواعد حقوقی حاکم بر دادگاه که مندرج در بند

د ماده ۳۸ اساسنامه دادگاه است و عبارتست از « تصمیمات قضایی و تعلیمات

برجسته‌ترین مؤلفین حقوق بین‌الملل ملل مختلف . »

وسایل اصلی تعیین قواعد حقوقی حاکم بر دادگاه اشاره بقواعد حقوقی

دارد. پدیده تازه در دادرسی بین‌المللی ارائه وسایل فرعی تعیین قواعد حقوقی

حاکم بر دادگاه می‌باشد. مهمترین اثر درج این قسمت از ماده ۳۸ در وسایل

تعیین قواعد حقوقی رهایی دادگاه از بن بست عدم وجود قانون یا قاعده‌ای است

که حاکم بر موقعیت خاصی باشد. بدین ترتیب دادگاه همانند دادگاههای داخلی

نمی‌تواند به نبود قانون خاص متعذر گردد .

بند د ماده ۳۸ اساسنامه دادگاه خود حاوی دو قسمت مختلف که نماینده

دو طرز فکر مختلف حقوقی است ، می‌باشد : « تصمیمات قضایی » یکی از

برجسته‌ترین منابع حقوقی حقوق عرف بوده و علاوه بر قانون مهمترین منبعی

است که در دادگاههای انکلو ساکسون به آن اشاره می‌شود. استفاده از تصمیمات

قضایی بعنوان منبع حقوقی ارزش عملی دارد. لکن بنا بر قسمت اول از بند د

ماده ۳۸ اساسنامه استفاده از آن با در نظر گرفتن ماده ۵۹ محدود گردیده است.

ماده ۵۹ می‌گوید ، « آرای دادگاه فقط درباره طرفین اختلاف و در موردی که

موضوع حکم بوده است ، الزام آور است . » درج این شرط برای جلوگیری از

نفوذ نظریه « پیروی از سابقه » یا « الزام آور بودن سابقه » (۱) حقوق عرف در آرای دادگاه است .

قسمت دیگر از وسایل فرعی تعیین قواعد حقوقی تعلیمات برجسته ترین مؤلفین حقوق بین الملل ملل مختلف متأثر از نفوذ عقاید حقوقدانان بین المللی در نظام حقوق اروپایی است. این نظریه ارزش نظری داشته و در استنتاجات حقوقی مفید فایده می باشد. اختلاف بین این دو منبع که ناشی از طرز تفکر حقوقی دو مکتب مختلف است ، در عمل چندان عمیق نیست ، زیرا از طرفی حقوقدانان نظام حقوق نوشته بارزش عملی تصمیمات قضایی ، خاصه تصمیمات دادگاههای عالی ، واقفند و از طرفی حقوقدانان نظام حقوق عرف از « نظریه تمیز » (۲) استفاده کرده همیشه و بی قید و شرط از تصمیمات قضایی پیروی نمی کنند .

اگرچه قسمت اول ماده ۳۸ اساسنامه وسایل اصلی و فرعی تعیین کننده حقوق حاکم بر دادگاه را شماره می کند ، لکن این بدان معنی نیست که دادگاه نتواند حقوق دیگری را که مورد علاقه طرفین است ، اجرا نماید. بند دوم ماده ۳۸ مقرر می دارد که دادگاه می تواند در صورت تقاضای طرفین دعوا بر طبق اصول **حق و انصاف** (۳) بدعوا رسیدگی نماید . بعبارت دیگر در صورتی که طرفین اختلاف موافقت نمایند ، دادگاه خود را محدود بقواعد حقوقی که ممکنست نارسا باشد ، ننموده و دعوا را بطریق معقولی منصفانه بین طرفین فیصله می دهد. در این مورد بایست در نظر داشت که کلمه « انصاف » مندرج در این ماده با نظام حقوقی انصاف ، یعنی انصاف مدون مقبول دادگاههای امر و زی ملل انگلوساکسون ، اشتباه نشود .

1) Binding authority of precedent .

2) Distinguish .

3) 'Ex aequo et bono' ; 'in equity and good conscience' .

see also 'the World Court', pp . 129 & 27.

رای دادگاه برای چه کسانی الزام آورست

رای دادگاه فقط برای طرفین دعوا الزام آور خواهد بود و آنهم در آن مورد بخصوص. در صورتی که چند دولت دارای منافع مشترك در دعوا باشند، همه آنها در حکم خواهان یا خوانده محسوب می‌شوند. رای دادگاه در همان مورد بخصوص برای طرفین الزام آور خواهد بود تا دادگاه از اثر « نظریه سابقه » در حقوق عرف برکنار بماند.

رای دادگاه برای دولتهایی غیر از طرفین دعوا فقط در دو مورد ممکنست الزام آور باشد :

نخست هنگامیکه دولتی تشخیص می‌دهد که رای دادگاه ممکنست در امری که طبیعتاً حقوقی است و مورد علاقه دولت مزبور است، مؤثر باشد و برای حفظ علاقه حقوقی مزبور از دادگاه می‌خواهد که در جریان رسیدگی دخالت (۱) کند. تصمیم بر اینکه آیا بدولت مزبور اجازه داده شود که در رسیدگی بدعوی مطروح در دادگاه دخالت کند یا خیر، با دادگاه است، ماده ۶۲ اساسنامه دادگاه.

مورد دوم زمانی است که تفسیر يك معاهده که دولتهای متصدی علاوه بر طرفین دعوا آنرا قبول کرده‌اند، در دادگاه مطرح است. در این صورت مدیر دفتر دادگاه جریان را با اطلاع کلیه امضا کنندگان معاهده مزبور می‌رساند و هر دولتی که بدین ترتیب مطلع شده است، حق حضور در دادگاه و دخالت، در جریان کار دادرسی دارد. در این صورت، یعنی در صورت دخالت دولت ثالث در جریان دادرسی، حکم دادگاه مساویاً برای آن دولت نیز الزام آور خواهد بود.

1) Intervention .

قوه اجرایی رای دادگاه

دادگاه بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد بوده و از اصول حاکم بر سازمان ملل متحد برکنار نیست. ملل متحد از آنجا که سازمانی است بین‌المللی و نه فوق‌مللی، دارای قوه اجرا بمعنای مصطلح آن در داخل دولتها نیست (۱). دادگاه نیز از این اصل کلی برکنار نیست، چون قضاوت دادگاه و صلاحیت آن اجباری نیست، لاجرم قوه اجرایی احکام آن بصورت استفاده از نیروی قهریه نیست. ولی این بدان معنی نیست که در صورت ارجاع امری بدادگاه برای تصفیه قضایی آن، رای صادر از طرف دادگاه هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. خیر، بزرگترین ضمانت اجرای احکام دادگاه تقبل مسئولیت از طرف اصحاب دعوا درحین ارجاع اختلافات خود بدادگاه می‌باشد. بموجب بند اول ماده ۹۴ منشور ملل متحد کلیه اعضای ملل متحد اجرای تصمیمات دادگاه بین‌المللی دادگستری را بعهده می‌گیرند. درحقیقت وقتی دولتی بدادگاه رجوع می‌کند، ضمناً اجرای احکام دادگاه را بقیمت ارزش و مقام خود و روحیه صلح‌طلبی و همکاری که لازمه عضویت ملل متحد است، عهده دار می‌شود.

در صورتیکه پس از صدور رای احد اصحاب دعوا از اجرای حکم دادگاه خودداری کند، طرف دیگر دعوا حق دارد مسئله را بشورای امنیت ارجاع کند. شورای امنیت در صورتیکه ضرور تشخیص دهد، ممکنست توصیه‌هایی در مورد اجرای رای دادگاه بعمل آورد و یا درباره اقداماتی که برای اجرای حکم دادگاه لازم است، تصمیم بگیرد، بنود دوم ماده ۹۴ منشور ملل متحد. رویهم‌رفته دولی که اقدام با ارجاع اختلافات خود با دول دیگر بدادگاه می‌کنند، برای حفظ احترام خود بین دول رای دادگاه را بمرور اجرا می‌گذارند.

تصفیه اختلاف در خارج از دادگاه (۲) در صورتیکه طرفین دعوا پس از

-
- 1) See the 'Corfu Channel' case and the 'Monetary Gold' case.
 - 2) Settlement out of the court.

شروع آن تصمیم بحل اختلاف خود بطریقی غیر از رای دادگاه بگیرند، آثار در طی موافقتنامه ای بداد گاه اعلام می دارند. هر گاه خواهان تمایل خود را بعدم ادامه داسی هنگامی اعلام دارد که طرف دعوا هنوز با ارسال لوایح اقدام نکرده است، دادگاه و درغیاب آن رئیس دادگاه، طبق دستوری عدم ادامه دادرسی را اعلام می نماید و دعوا از صورت دعاوی دادگاه حذف می گردد؛ در صورتیکه طرف دعوا به ارسال لوایح اقدام کرده، ولی دادگاه بمرحله رای نرسیده باشد، تمایل طرف علاقه مند بعدم ادامه داسی بطرف دیگر دعوا ابلاغ می گردد و نظر طرف مزبور در طی مدت معینی خواسته می شود. در صورتیکه در طی مدت تعیین شده از طرف دادگاه اعتراض از دولت طرف دعوا بداد گاه نرسد، موافقت ضمنی دولت مزبور فرض و مانند مورد قبلی اقدام می گردد. همچنین است در صورتیکه طرف مزبور رسماً موافقت خود را با عدم ادامه دادرسی اعلام دارد. در صورت اعتراض دولت مزبور بعدم ادامه داسی رسیدگی بدعوای مزبور ادامه پیدا می کند، ماده ۶۸ و ۶۹ آیین نامه دادگاه.

۱۰

آرای مشورتی

علاوه بر اعلام رای در دعاوی تقدیمی بداد گاه برای صدور رای قضایی الزام آور دادگاه می تواند بر حسب تقاضای مجمع عمومی، شورای امنیت و یا سایر سازمانهایی که از طرف مجمع عمومی (بند دوم ماده ۹۶ منشور ملل متحد) مجاز بدرخواست رای مشورتی^(۱) از دادگاه می باشند، نظر خود را درباره هر مسئله حقوقی اعلام دارد، بنداول ماده ۶۵ اساسنامه دادگاه و بند اول ماده ۹۶ منشور ملل متحد.

حق تقاضای رای مشورتی از دادگاه فقط بمجمع عمومی، شورای امنیت و کارگزاریهای اختصاصی وابسته بملل متحد داده شده است؛ دولتها از این حق

1) Advisory opinion.

بهره‌ای ندارند. مفهوم مخالف ماده ۹۶ منشور ملل متحد نیز دال بر وجود این حق برای دولت‌ها نیست. از کلمه «هیئت» یا «سازمان» نیز که در متن ماده ۶۵ اساسنامه دادگاه بکار برده شده است، مفهوم دولت مستفاد نمی‌گردد. روح دو ماده مزبور نیز بشمول دولت در میان هیئت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که توسط مجمع عمومی برای اخذرای مشورتی بدادگاه معرفی می‌گردند، گواهی نمی‌دهد. این بدان سبب است که در صورت دسترسی دول بدادگاه برای رای مشورتی، جنبه قضایی اصلی دادگاه که صدور رای الزام آور برای طرفین دعواست، از بین می‌رود.

فرق فنی بین رای دادگاه و نظر مشورتی دادگاه (۱) در اینست که در نظر مشورتی اولاً طرفین دعوا (۲) وجود ندارد و ثانیاً رای مشورتی الزام آور (۳) نیست. در عمل سازمان‌هایی که نظر مشورتی دادگاه را می‌خواهند، پس از صدور رای مشورتی بر طبق مفاد آن عمل می‌کنند.

مسئله حقوقی که برای صدور رای مشورتی در آن باره بدادگاه عرضه می‌گردد، بایست بصورت سؤال دقیقی طرح و در طی درخواست کتبی (بند دوم ماده ۶۵ اساسنامه دادگاه) تقدیم گردد. دفتر دادگاه پس از دریافت چنین تقاضایی بلافاصله دولت‌های ذی‌علاقه را مطلع خواهد ساخت. همچنین کشورها یا سازمان‌هایی که در نظر دادگاه و یارثیس آن، در صورتی که دادگاه در حال جلوس نباشد، قادر بتهیه و تقدیم اطلاعاتی در مورد مسئله مربوط باشند، مطلع خواهند گردید. در این صورت دادگاه ضرب‌الاجلی برای دریافت این گونه اطلاعات معین می‌نماید. در صورتی که چنین اطلاعاتی بدولتی نرسد، دولت مزبور می‌تواند از دادگاه بخواهد شفاهاً در دادگاه اطلاعاتی عرضه دارد یا لایحه‌ای تسلیم نماید. در این مورد دادگاه خود تصمیم خواهد گرفت، بند سوم ماده ۶۶ اساسنامه دادگاه.

1) Court's Judgment or decision and Court's Advisory Opinion.

2) Parties to the Case.

3) Binding.

مدیر دفتر دادگاه اطلاعات واصل از دولتها و سازمانهای ذی‌علاقه در مورد مسئله مورد استشاره را برای سایر دول ذی‌علاقه می‌فرستد، زیرا دولتهای مزبور حق دارند نسبت باطلائی‌های تقدیمی از طرف سایر دول توضیحات لازم بدهند، بند چهارم ماده ۶۶ اساسنامه دادگاه. دادگاه پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم بشور می‌پردازد. جلسات شور دادگاه محرمانه^(۱) بوده و معمولاً یک ماه طول می‌کشد. رأی دادگاه در جلسه‌علنی اعلام و بدییر کل ملل متحد، نمایندگان اعضای ملل متحد و سایر دولتها و سازمانهای بین‌المللی که مستقیماً ذی‌علاقه باشند، اطلاع داده می‌شود.

دادگاه در صدور رأی مشورتی تا آنجا که ممکنست اصول قضایی را مراعات می‌نماید و در صورتی که رأی مشورتی دادگاه بحد تصفیه قضایی اختلاف بین دو دولت برسد، از صدور نظر مشورتی بدون شرکت طرف دعوا خودداری خواهد نمود^(۲).

1) In Camera.

(۲) در دعوی کارلیای شرقی (Eastern Carelia case, 1923) دادگاه بدخواست شورای جامعه ملل دایر بصدور رأی مشورتی در مورد تعهدات روسیه بموجب معاهده دورپات (Dorpat) که از طرف دولت فنلاند تقاضا شده بود، جواب منفی داد. در مورد مزبور دادگاه براین بود که هرگاه موضوع رأی مشورتی مستقیماً بماهیت اختلاف موجود بین دو کشور مرتبط باشد، اصل قضایی بین‌المللی که صلاحیت دادگاه بر رضایت طرفین استوار است، بایست مراعات گردد. از طرفی چون دولت روسیه از همکاری در رسیدگی باختلافات مزبور خودداری می‌نمود، اصل قضایی استماع دفاعیات طرفین (Audi alteram partem) را دادگاه نمی‌توانست مراعات نماید.

بنظر می‌رسد که دادگاه فعلی در این مورد زیاد پافشاری ننماید، زیرا در دعوی تفسیر قراردادهای صلح (The Interpretation of peace Treaties, Casel 1950) دادگاه اختلاف کارلیای شرقی را متفاوت دانسته مقرر داشت که نخست موقعیت حقوقی نظر مشورتی در رسیدگی قضایی ←

یکی از وظایف برجسته دادگاه با توجه به آرای مشورتی استفاده از آن برای تجدید نظر آرای محکمه اداری سازمان بین‌المللی کار و محکمه اداری ملل متحد است. در قسمت اخیر تقاضای رای مشورتی توسط کمیته مخصوص بعمل می‌آید (۱).

رای مشورتی دادگاه از لحاظ دیگری نیز دارای اهمیت فوق‌العاده است. بموجب قطعنامه (۷) الف ۱۷۱ مجمع عمومی توصیه می‌نماید که نکات حقوقی مربوط به تفسیر منشور ملل متحد و اساسنامه‌های کارگزاریهای اختصاصی بایست برای اظهار نظر مشورتی تقدیم دادگاه گردد.

تبصره ۵۰ شکی نیست که پیمانهای منطقه‌ای (موضوع ماده‌های ۵۲، ۵۳، ۵۴ منشور ملل متحد) را می‌توان تحت عنوان «هیئت» مذکور در ماده ۶۵ اساسنامه دادگاه محسوب و در صورت وابستگی آنها با سازمان ملل متحد بر طبق بند دوم ماده ۹۶ منشور ملل متحد به آنان اجازه دسترسی به دادگاه برای درخواست رأی مشورتی داد.

امتیازات و مصونیت‌های دادگاه

اعضای دادگاه در حین اشتغال بکار دادگاه از مزایا و مصونیت‌های سیاسی

→ باختلاف فرق دارد؛ دو دیگر اینکه نظر مشورتی الزام‌آور نیست و سدیدگر این که هیچ دولتی نمی‌تواند جلوی اظهار نظر مشورتی دادگاه را در صورتی که آن نظر از طرف ملل متحد خواسته شده باشد، بگیرد.
For further details on this point, see: Brierly 'the Law of Nations', 6th ed. by Waldock; pp. 363, 365.

(۱) بموجب قطعنامه (۷) ۶۸۴ هر گاه کمیته‌ای مایل باشد از مجمع عمومی درخواست کند که نظر مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری را بخواهد، می‌تواند سؤال را قبلاً به کمیته ششم بفرستد تا جنبه‌های حقوقی آن تنظیم و ترکیب سؤال در آن کمیته مورد بررسی قرار گیرد. کمیته مزبور همچنین می‌تواند سؤال مورد نظر را به کمیته‌ای مشترک از کمیته مزبور و کمیته ششم برای اظهار نظر و ملاحظه بفرستد.

بهره‌مند می‌باشند؛ همچنین است مدیر دفتر دادگاه. بعلاوه نماینده، مشاور و وکلای طرفین دعوا در دادگاه و کارمندان دادگاه از مصونیتها و امتیازات ضرور برای انجام مستقل کارهای خود برخوردار می‌باشند^(۱).

قطعه‌نامه تصویبی از طرف مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ از دولتهای عضو خواسته است که بر گ عبور^(۲) اعضای دادگاه را قبول کرده برسمیت بشناسند. در عمل از سال ۱۹۵۰ بی‌عد چنین بر گهای عبوری برای دادرسان، مدیر دفتر و اعضای دادگاه صادر شده و دولتها از وجود آن مطلع گردیده‌اند. این بر گهای عبور شبیه بر گ عبور است که سازمان ملل متحد برای اعضای خود صادر می‌نماید^(۳).

ترکیب فعلی دادگاه. خدمت بعضی دادرسان دادگاه در تاریخ پنجم فوریه ۱۹۶۷ پایان یافت. مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت در تاریخ سوم نوامبر ۱۹۶۶ مستقلا دادرسان جدید را که برای مدت ۹ سال انتخاب شده و دوره خدمت آنان می‌باید از روز پنجم فوریه ۱۹۶۷ آغاز شده باشد، انتخاب نموده است^(۴).

1) See the Statute of the Court, Article 19.

2) Laissez-Passer.

3) ICJ Yearbook, 1963 - 64, p.31. For further details, see Resolution 22 (1) C. of the General Assembly, 13th February 1946; and Exchange of Correspondence between the President of the Court and the Minister for Foreign Affairs of Netherlands, dated 26th June 1946; and Resolution No. 90 (1) of the General Assembly, 11th December 1946. All the above-mentioned documents are Collected in the International Court of Justice Yearbook, 1946 - 1947, Pp. 88 to 94.

4) For further details, see also:

The ICJ, UN Publication, sales No. 65-1-15/p.12; UN Press Release GA/3257, 3 Nov. 1966; UN Press Release WS/266, 4 Nov. 1966; UN Note No. 3323/16 November 1966.

ضمیمه‌ها

ضمیمه نخستین

در آرای دادگاهها

دعوای کانال کورفو

دعوای کانال کورفو^(۱) نخستین دعوایی است که مورد رسیدگی دادگاه بین‌المللی دادگستری قرار گرفت. شرح دعوا بقرار زیر است: در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ چند کشتی جنگی انگلیسی در حین عبور از کانال کورفو در اثر انفجار مینهای دریایی بسختی صدمه دید و ۴۴ نفر از افسران کشتیهای مزبور کشته و ۴۲ نفر مجروح شدند. دولت انگلستان مدعی گردید که مینهای مزبور پس از عملیات مین جمع‌کنی در کانال مزبور که از طرف نیروهای متفقین صورت گرفته بود، از طرف دولت آلبانی در آبهای مزبور نهاده شده و یا مین‌گذاری مزبور از طرف دولت ثالث ولی با اجازه دولت آلبانی صورت گرفته است. دولت انگلستان مسئله مزبور را بسازمان ملل متحد ارجاع و شورای امنیت توصیه نمود که قضیه بدادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد. دادگاه در این مورد سه رأی بشرح زیر صادر نمود:

الف - صلاحیت دادگاه. نخست دولت آلبانی بصلاحیت دادگاه اعتراض نمود. اعتراض دولت مزبور طی رأی ۲۵ مارس ۱۹۴۸ رد شد و دادگاه بصلاحیت خود رأی داد. دادگاه علت شایستگی خود را نامه‌ای دانست که دولت آلبانی بدادگاه فرستاده بود. ارسال نامه مذکور بدادگاه قبول داوطلبانه و بدون تردید صلاحیت دادگاه محسوب گردید. اصل قبول صلاحیت دادگاه در صورتیکه خواننده خود را آماده دفاع ساخته و با دادگاه مکاتبه نموده و از آغاز بصلاحیت دادگاه اعتراض ننموده باشد، امروزه اصل شناخته شده حقوق بین‌الملل عمومی است؛

1) The 'Corfu Channel' case .

نگاه بدعوای ایران و انگلیس . دادگاه همچنین بر این عقیده بود که اعتراضات مندرج در نامه مزبور حاکی از اعتراض بصلاحت دادگاه نبوده و فقط بمنظور حفظ اصول حقوقی و جلوگیری از ایجاد سابقه بوده است.

ب - ماهیت دعوا. در مین رأی دادگاه در تاریخ ۹ آپریل ۱۹۴۹ صادر و حایز اهمیت بیشتر بوده و راجع است بماهیت دعوی مزبور :

دادگاه با توجه بحقوق بین الملل و موقعیت دعوی مزبور دولت آلبانی را مسئول مین گذاری و در نتیجه مسئول خسارات وارده دانست . اعلام گردید که اگرچه این ادعا که مین گذاری کانال مزبور از طرف آلبانی انجام گرفته، مورد قبول دادگاه نیست ، معذالك دادگاه بر این عقیده است که مین گذاری مزبور نمی توانسته بدون اطلاع دولت آلبانی انجام گیرد .

در مورد ادعای دولت آلبانی بر اینکه ورود کشتیهای جنگی انگلیسی بکانال مزبور تجاوز به آبهای ساحلی آن دولت است، دادگاه مقرر داشت که چنین نبوده و عبور کشتیهای مزبور از کانال بین المللی نامبرده مشمول مقررات عبور سالم (۱) است .

در مورد عملیات مین جمع کنی دولت انگلستان در تاریخ ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ چون عملیات مزبور بدون موافقت دولت آلبانی و بر خلاف میل دولت مزبور انجام گرفته ، انگلستان مسئول «دخالت غیر قابل قبول» در امور آلبانی محسوب و رفتار ناوگان بریتانیایی تجاوز بحاکمیت ملی آلبانی شمرده می شود .

ج - خسارات . در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۹ دادگاه بر اساس ارزیابی کارشناسان ، آلبانی را مسئول خسارات جانی و مالی بمبلغ ۲/۴۰۰/۰۰۰ دلار که بایست بدولت انگلستان تأدیه شود ، نمود . آلبانی از پرداخت خسارت مزبور سرباز زد. دولت انگلستان که می توانست بموجب مقررات ماده ۹۴ منشور ملل

1) Innocent passage .

متحد در این مورد بشورای امنیت متوسل شود ، تاکنون اقدامی در این مورد
نموده است (۱) .

دعوی انگلستان و نروژ

بر سر ماهیگیری

این دعوا (۲) که اثرات مهمی در حقوق بین المللی دریایی دارد، در نتیجه فرمانی
که دولت نروژ در سال ۱۹۳۵ مقرر داشت، بوجود آمد . در تاریخ مزبور دولت
نروژ بموجب فرمانی مناطق محدوده ماهیگیری برای اتباع نروژ و همچنین
خطوطی را که عرض آبهای ساحلی از آن خطوط اندازه گیری می شود، معین
کرد . سواحل شمالی کشور نروژ بطرز خاصی مضرس می باشد . پیشرفتگی آب
در خاک چنانست که گاهی طول خلیجهای تشکیل شده بصد ها کیلومتر می رسد .
در حالی که عرض دهانه آنها گاهی چندان بیشتر از عرض دریای ساحلی نیست .
این پیشرفتگیها که بسیار زیادند، برای ماهیگیری بسیار مناسب است . با
فرمان مزبور تعداد زیادی از این پیشرفتگیهای آب در خاک جزو آبهای داخلی
نروژ درآمد و در نتیجه دول خارجی از ماهیگیری در آن محروم گردیدند .
دولت نروژ فرمان مزبور را بدین ترتیب توجیه می نمود که نه تنها از جنبه تاریخی
حوضچه های مزبور مورد استفاده اهالی نروژ بوده است، بلکه شکل خارجی
مرزهای غربی کشور نروژ از نظر طبیعی چنانست که ادامه آنها وتر کیب شکل
خارجی خطوط مزبور اقدام فوق را لازم می سازد .

(۱) انگلستان در دعوی طلای حمل شده از رم (The Monetary Gold case)

(case) که آلمانیها از بانک ملی آلبانی در رم برده بودند و در آلمان به
دست متفقین افتاد و آنها بعنوان غرامت جنگی (Restitution) قرار
به تقسیم آن گذاشته بودند ، از دادگاه خواست که خسارت انگلستان
در دعوی کانال کورفو از این مبلغ پرداخت شود .

See also «the World Court», by shabtai Rosenne, 1992
pp. 138 to 174; the ICJ's publications.

2) The Anglo - Norwegian Fishers Case .

در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۹ دولت انگلستان اظهاریه ای بدادگاه تقدیم کرد و مدعی شد که فرمان ۱۹۳۵ دولت نروژ نواحی وسیعی از آبهای پیرامون ساحل نروژ را نواحی محدوده اعلام و بدین ترتیب از ورود ماهیگیران خارجی بدان نواحی - که بر حسب حقوق بین المللی دریای آزاد محسوب می شود - ممانعت بعمل آورده است. دولت انگلستان از دادگاه تقاضا کرد که اصول حقوق بین الملل را که برای تحدید مناطق مزبور بایست بکار آید، معین و معلوم دارد که دولت نروژ تا چه حد در تحدید نواحی ماهیگیری برای اتباع خود محق می باشد. دولت مزبور همچنین تقاضای تأمین خسارات ناشی از دخالت دولت نروژ در ماهیگیری سفینه های انگلیسی را کرد.

در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۵۱ دادگاه با ۱۰ رأی در مقابل ۲ رأی مخالف اعلام داشت که شیوه تحدید نواحی ماهیگیری مندرج در فرمان دولت نروژ برخلاف حقوق بین الملل نیست و با ۸ رأی در مقابل ۴ رأی مخالف اعلام نمود که تعیین و ترتیب خطوط اصلی سواحل نروژ که عرض آبهای ساحلی از آن اندازه گیری می شود، نیز برخلاف حقوق بین الملل نیست. سوابق تاریخی و شواهد جغرافیایی اساس رأی دادگاه را تشکیل می داد.

دعوی ایران و انگلیس (۱)

در تاریخ اول ماه مه ۱۹۵۱ قانون ملی شدن صنایع نفت ایران بتصویب مجلس شورای ملی ایران رسید و در نتیجه اموال شرکت نفت ایران و انگلیس مورد ضبط دولت ایران قرار گرفت. در تاریخ ۲۶ ماه مه همان سال دولت انگلستان اظهاریه ای در این مورد بدادگاه بین المللی دادگستری فرستاد. دولت انگلستان از دادگاه تقاضا کرد که دادگاه اعلام نماید که دولت ایران بموجب معاهده ۱۹۳۳ منعقد بین شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران بایست اختلاف را بدواری محول و از رأی صادره پیروی نماید؛ همچنین عمل ملی شدن صنایع نفت را که

بموجب ابطال یکطرفه معاهده ۱۹۳۳ می باشد ، بر خلاف حقوق بین الملل اعلام دارد؛ دادگاه اعلام نماید که معاهده مزبور از نظر حقوقی هنوز الزام آوراست و دولت ایران با محروم کردن شرکت نفت ایران و انگلیس از جبران خسارات حقوقی منحصر مقرر در معاهده مزبور بر خلاف حقوق بین المللی رفتار کرده است؛ دادگاه اعلام نماید که از نظر حقوقی دولت ایران نمی تواند بطریق یکطرفه معاهده ۱۹۳۳ را ابطال نماید یا تغییری در آن بدهد، جز بر طبق موافقت دو جانبه و یا تحت شرایط مندرجه در معاهده؛ بعلاوه دادگاه مقرر دارد که ایران بایست رضایت شرکت نفت ایران و انگلیس را فراهم و کلیه خسارات ناشی را بر طبق رأی و شیوه ای که دادگاه معین می دارد، بپردازد .

در تاریخ ۲۲ ژوئن دولت انگلستان از دادگاه تقاضا کرد که بر طبق ماده ۴۱ اساسنامه دادگاه قرار حفاظتی موقت را صادر نماید . در تاریخ ۳۰ ژوئن استماع نظر طرفین در این مورد شروع گردید .

قرار موقت . در تاریخ ۵ ژوئیه دادگاه مقرر داشت که شرکت نفت ایران و انگلیس باید مانند ایام قبل از ماه مه ۱۹۵۱ (قانون ملی شدن صنایع نفت ایران) تحت مدیریت خود بکار ادامه دهد . مدیریت مزبور در هر صورت بایست با مراعات تغییراتی که «هیئت سرپرستی» - که بر طبق نظر دادگاه می بایست با موافقت طرفین تشکیل گردد - تجویز می نماید ، بکار خود ادامه دهد . دولت ایران قرار موقت را نادیده گرفت . دولت انگلیس امر را تحت نادیده گرفتن رأی دادگاه از طرف دولت ایران که موجب خسارات اقتصادی هنگفت نه تنها به انگلستان ، بلکه تمامی دنیا آزاد می گردد و ایجاد وضعیت بحرانی نموده ممکنست تهدیدی بصلح باشد ، بشورای امنیت کشانید . دولت ایران شورای امنیت را فاقد صلاحیت دانسته ، نظر موقت دادگاه را رأی ندانسته و در نتیجه خود را ملزم به پیروی آن ندید . شورای امنیت پس از شش جلسه در این مورد تصمیمی نگرفته جلسات خود را به تعویق انداخت .

صلاحیت دادگاه . دولت ایران بصلاحیت دادگاه برای رسیدگی بدعوای

مزبور اعتراض کرد. دادگاه در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ بعدم صلاحیت خود رأی داده و اعلام کرد که قرار موقت مقرر از طرف دادگاه الزام آور نیست. مبنای رأی دادگاه این بود که برای اینکه دادگاه صلاحیت رسیدگی بموضوعی داشته باشد، رضایت طرفین دعوی بتسلیم آن بدادگاه ضرور است. در دعوی ایران و انگلیس رضایت (ادعا شده از طرف دولت انگلیس) دولت ایران بر مبنای اعلامیه قبول اجباری صلاحیت دادگاه (ماده ۳۶ بند دوم) از طرف ایران بود. لکن بر اساس ترکیب جملات و عبارات این اعلامیه قبول صلاحیت اجباری دادگاه فقط شامل قراردادهای مصوب از طرف دولت ایران پس از اعلامیه می باشد، در حالی که دعوی مزبور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از قراردادهایی است که پیشتر از اعلامیه مزبور منعقد گردیده است. دولت انگلستان معتقد بود که تفسیر دستوری جملات مزبور سبب می شود که اعلامیه مزبور شامل قراردادهای قبل از خود نیز گردیده و در نتیجه دادگاه صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. دادگاه مقرر داشت که باینکه این نظر ناصحیح نیست، لکن رأی دادگاه نمی تواند بر مبنای تفسیر کاملاً دستوری قرار گیرد، بلکه تفسیر دادگاه از هر متنی باید بامعنای طبیعی و معقول مبنی هماهنگی داشته باشد و چنین تفسیری فقط شامل قراردادهای منعقد پس از اعلامیه مزبور می شود. (اوضاع و احوال تاریخی از جمله الغای کاپیتولاسیون و عدم علاقه طبیعی دولت ایران در آنوقت بارچاع امور خود بمجامع بین المللی دادگاه را در این مورد کمک نمود).

دولت انگلیس همچنین بقراردادهای ایران و دانمارک (۱۹۳۴)، ایران و سوئیس (۱۹۳۴) و ایران و ترکیه (۱۹۳۷) توسل جست. دولت مزبور اظهار داشت که بموجب قراردادهای ۱۸۵۷ و ۱۹۰۳ با ایران از مزایای جمله «دولت کامله الوداد» برخوردار بوده، از مزایای قرار داد های ایران با سوئیس، ترکیه و دانمارک نیز باید برخوردار باشد و در نتیجه شرکت نفت ایران و انگلیس بایست از «اصول و رسوم حقوق بین المللی معمولی» استفاده نماید، در حالیکه قانون ملی کردن صنایع نفت برخلاف این اصول و رسوم می باشد.

داد گاه مقرر داشت که قراردادهای محتوی جمله « کامله الوداد » قبل از اعلامیه قبول اجباری صلاحیت داد گاه منعقد گردیده و دولت انگلستان نمی تواند بدائنهاتمسک جوید و در نتیجه از مزایای قراردادهای ایران با دانمارک، سویس و ترکیه استفاده نماید .

علاوه بر دلایل مذکور در فوق ، دولت انگلیس مدعی بود که قرارداد نفتی ۱۹۳۳ از طریق وساطت شورای جامعه ملل بین دو دولت منعقد گردیده و دارای دو جنبه است : نخست قرارداد امتیازی بین دولت ایران و شرکت مزبور و دیگر قراردادی بین دولتین ایران و انگلیس . داد گاه بر این نظر بود که دولت انگلیس طرف قرارداد نبوده از مزایای طرف قرارداد برخوردار نیست . قرارداد مزبور رابطه ای بین دو دولت ایجاد نمی نماید . بر طبق قرارداد مزبور دولت ایران در برابر شرکت نفت ایران و انگلیس دارای حقوقی بود که چنین حقوقی را در مقابل دولت انگلیس نداشت . همچنین ایران وظایفی را نسبت به شرکت نفت مزبور متعهد بود که چنین وظایفی را نسبت به دولت انگلستان نداشت . انجام قرارداد مزبور با وساطت شورای جامعه ملل دلیل بر انعقاد قرارداد دولتین نبوده و دولت انگلستان در انعقاد قرارداد مزبور فقط حق دیپلماتیک دفاع از اتباع خود را انجام می داده است . بنابراین داد گاه باین نتیجه می رسد که برای رسیدگی بدعوای شرکت نفت ایران و انگلیس و ایران صلاحیت ندارد (۱) .

(۱) در طول دعوای سابق الذکر دولت انگلستان همچنین بر این عقیده بود که صرف رجوع ایران به داد گاه و مکاتبه با آن و ارسال اسناد دفاعیه دلیل بارزی بر قبول صلاحیت داد گاه است . در غیر این صورت ایران به داد گاه رجوع نمی کرد . داد گاه بر این عقیده بود که ارسال اسناد و حضور در داد گاه بمنظور دفاع از دعوای مزبور نبوده ، بلکه از اصل براساس رد صلاحیت داد گاه قرار گرفته ، از اینرو دال بر قبول صلاحیت داد گاه از طرف دولت ایران نمی باشد ؛ نگاه به « دعوای کانال کورفو » .

آرای مشورتی دادگاه

شرایط قبول دولتی

بعضویت ملل متحد

مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۴۷ از دادگاه بین‌المللی دادگستری تقاضای رای مشورتی در مورد عضویت در ملل متحد نمود. تقاضای مجمع عمومی چنین بود: آیا هر عضو ملل متحد حق دارد که عضویت دولتی را در ملل متحد منوط بقبول شرایطی نماید که صریحاً در منشور قید نشده‌است؟ و بویژه، آیا اعضای ملل متحد می‌توانند قبول دولتی را بعضویت ملل متحد مشروط بقبول عضویت دولت دیگری بنمایند؟

دادگاه در رای مشورتی ۲۸ مه ۱۹۴۸ در تفسیر ماده ۴ منشور ملل متحد اظهار نظر کرد که شرایط عضویت مندرج در ماده ۴ منشور تحدیدی بوده و در صورت احراز آن شرایط از طرف دولتی شورای امنیت بایست توصیه‌ای کند که مجمع عمومی را قادر باخذ تصمیم در مورد عضویت آن عضو بنماید.

صلاحیت مجمع عمومی

برای قبول عضویت دول بملل متحد

رای مشورتی سابق‌الذکر منجر بحل مسئله عضویت در شورای امنیت نگردید. یکی از اعضای ملل متحد پیشنهاد نمود که کلمه «توصیه» مندرج در ماده ۴ منشور ملل متحد نبایست طوری تفسیر شود که لزوماً معنای توصیه‌موافق قبول عضویت بدهد. بعبارت دیگر مجمع عمومی می‌تواند حتی در صورت عدم توصیه شورای امنیت دولتی را بعضویت ملل متحد بپذیرد، بدین ترتیب که عدم توصیه شورای امنیت را می‌توان توصیه «منفی» یا «غیر موافق» محسوب داشت و در این صورت مجمع عمومی می‌تواند از عواقب «وتو»ی دول بزرگ در شورای امنیت احتراز جوید.

این مسئله را مجمع عمومی موضوع رای مشورتی قرار داده نظر دادگاه را خواستار گردید. دادگاه در نظر مشورتی خود در تاریخ سوم ماه مه ۱۹۵۰ خاطر نشان کرد که شرایط عضویت ملل متحد از طریق منشور وضع و از این قرار است: توصیه شورای امنیت، تصمیم مجمع عمومی. هر گاه مجمع عمومی می توانست دولتی را با تصمیم خود و بدون توصیه شورای امنیت بعضویت قبول کند، شورای امنیت از یکی از وظایف مهم محول بدان از طرف منشور محروم می گردید. عدم توصیه شورای امنیت بمجمع عمومی درباره قبول عضو جدید را نمی توان «توصیه غیر موافق» شورای امنیت تلقی کرد، زیرا شورای مزبور خود عمل مذکور را بدین معنی تعبیر کرده که توصیه ای بعمل نیاورده است.

تصمیم محکمه اداری سازمان بین المللی کار

در باره کارمندان یونسکو

اساسنامه محکمه اداری سازمان بین المللی کار مقرر می دارد که رای محکمه قطعی بوده و پژوهش از آن میسر نخواهد بود. صلاحیت این محکمه رایونسکو برای دعاوی ناشی از شکایات اعضای خود قبول کرده است، جز در موردی که محکمه در مورد صلاحیت خود برای رسیدگی به آن دعاوی نظر صحیح نداده باشد. اساسنامه محکمه خود مقرر می دارد که در صورت بروز اختلاف در مورد صلاحیت محکمه نظر مشورتی دادگاه بین المللی دادگستری خواسته شده و الرام آور باشد.

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۵ هیئت اجراییه یونسکو تصمیم گرفت که از نظر محکمه اداری سازمان بین المللی کار - که در مورد شکایت اعضای سابق یونسکو صادر شده بود - بدادگاه بین المللی رجوع و نظر مشورتی آن دادگاه را بخواهد. یونسکو معتقد بود که محکمه اداری سازمان بین المللی کار صلاحیت رسیدگی بشکایت اعضای سابق یونسکو را نداشته است، زیرا دوره خدمت اعضای مذکور معین و محدود بوده و پس از خاتمه خدمت آنان یونسکو ملزم باستخدام مجدد

آنان نبوده است، در حالیکه یونسکو صلاحیت محکمه را فقط در مورد دعاوی ناشی از شکایت اعضای خود قبول کرده است. خاتمه خدمت اعضای مزبور بر اساس شرایط استخدامی آنان بوده و شکایت آنان ناشی از عدم مراعات مقررات استخدامی از طرف یونسکو محسوب نمی گردد.

اعضای یونسکو که قرارداد خدمت آنان تجدید نگردیده بود، متمسک بیک یادداشت اداری بودند. در این یادداشت اداری مقرر بود که بداندگان شرایط استخدامی بامدت معین با مراعات پاره‌ای شرایط پیشنهاد تجدیداستخدام خواهد شد. در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶ دادگاه بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی خود اظهار نظر نمود که یادداشت اداری پیش گفته را می‌توان برای یونسکو الزام‌آور دانست. در مورد صلاحیت محکمه اداری نیز کافیست که بین شکایت اعضا و شرایط استخدامی آنان پیوند و رابطه معتبری موجود باشد. دادگاه وارد در ماهیت نظر محکمه اداری سازمان بین‌المللی کار نگردید، ولی صریحاً اظهار نظر نمود که محکمه اداری در مورد رسیدگی بدعاوی مذکور در فوق صلاحیت داشته است.

ضمیمه سوم

هیئت‌هایی که مجاز بر جوع بدادگاه

برای تحصیل رای مشورتی می‌باشند

General Assembly

مجمع عمومی ملل متحد

Security Council

شورای امنیت

Economic and Social Council

شورای اقتصادی و اجتماعی

Trusteeship Council

شورای قیمومت

Interim Committee of the General
Assembly

کمیته موقت مجمع عمومی

Committee

کمیته درخواستهای تجدید نظر آرای محکمه اداری

on Applications for Review of Administrative Judgements

International Labor Organisation سازمان بین المللی کار

Food and Agriculture Organisation سازمان خوار و بار و کشاورزی
(FAO)

United Nations Educational , Scientific and Cultural Organisation سازمان تربیتی ، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
(UNESCO)

International Civil Aviation Organisation سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری
(ICAO)

International Monetary Fund صندوق بین المللی پول

International Bank for Reconstruction and Development بانک بین المللی ترمیم و توسعه

International Finance Corporation (IFC) بنکاء مالی بین المللی

World Health Organisation (WHO) سازمان بهداشت جهانی

Inter-Governmental Maritime Consultative Organisation (IMCO) سازمان بین الدولی مشورتی دریایی

International Telecommunication Union (ITU) اتحادیه بین المللی مخابرات دور

World Meteorological Organisation (WMO) سازمان هواشناسی جهانی

International Atomic Energy Agency (IAEA) کارگزاری بین المللی نیروی اتمی

International Development Association (IDA) انجمن توسعه بین المللی

منابع

For further reading, see also :

- 1 . The Charter of the United Nations; a complete translation of which has now been rendered into Farsi by the present writer.
- 2 . The Statute of the International Court of Justice .
- 3 . Rules of Court and other documents ; I. C. J. Publication No . 2/1947.
- 4 . International Court of Justice, Yearbooks.
- 5 . Repertory of Practice of UN Organs , Volume 5 , N. Y. , 1955 pp.5-94 ; and Supplement No . 2 , Volume 3 , pp . 363- 386.
- 6 . The World Court , by Shabtai Rosenne , 1962 , Oceania Publications , N . Y .
- 7 . The International Court of Justice , UN Publication , Doc. Sales No . 65.I . 15.
- 8 . Everyman's United Nations, UN Publication , Sale No . 64 . 1 . 9.
- 9 . The Law of Nations , by J . C . Brierly , Sixth Edition, Revised by C . H . M . Waldock , pp. 346-435.
- 10 . The United Nations and How It Works , by David Cushman Colyle, Columbia University Press, 1966.

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی